

پیشگفتار

در میان خشکیهای کره زمین، قاره امریکا جزء آخرین کشفیات کاشفان قرنهای اخیر بوده است. اگرچه قدمت تاریخی ساکنان آن به بیش از سی هزار سال ق.م می‌رسد. گستردگی این سرزمین سبب تنوع اعتقادات بومیان اولیه آن شده است. از این رو دسته‌بندی باورهای آنان کاری بس مشکل می‌نماید. در کتاب حاضر سعی شده است که در ابتدا اعتقادات همه اقوام بومی (شمالی، مرکزی، جنوبی) امریکا مورد بررسی کلی قرار گیرد، سپس با جدا کردن باورهای اقوام شمالی از مرکزی و جنوبی و ذکر اعتقادات خاص چند قوم منتخب، دسته‌بندی هرچند مختصری از این اعتقادات به عمل آید، تا درک آنها آسان‌تر شود. در این راستا ذکر بعضی مطالب که به نظر خواننده گرامی تکراری می‌نماید ضرورت داشت، زیرا گاه مطلبی در فصل اول (که بیشتر به کلیات می‌پردازد) آمده و همان مطلب به طور خاص نیز در اعتقادات اقوام منتخب تکرار شده است.

امید است که خوانندگان ارجمند با بزرگواری به اشتباهات بنگرند و نگارنده را از نعمت رهنمودهایشان محروم نفرمایند.

مقدمه

در اکتبر ۱۴۹۲ کریستف کلمب در مأموریتی با هدف رسیدن به ساحل شرقی آسیا آنقدر با کشتی خود به سمت غرب راند تا به سرزمین امریکای کنونی رسید. در آن روزگار فقط سه قاره آسیا، افریقا و اروپا شناخته شده بودند. هنگامی که خشکی از دور هویدا شد کریستف کلمب حدس زد که به هندوستان رسیده است اما آنچه دید با تصویری که از توصیفات مارکوپولو درباره شرق دور به دست آورده بود کاملاً مغایرت داشت. پس چاره‌ای نداشت جز اینکه مشاهداتش را با مفروضاتش یکسان تلقی کند. او در طول چهار سفری که انجام داد ناگزیر از حفظ این باور غلط بود. در طول سفر سومش، در ادامه راه خود به جنوب به برزیل رسید، در حالی که در گزارش مارکوپولو آمده بود که در جنوب هندوستان چیزی جز اقیانوسی وسیع وجود ندارد. از این رو مجبور بود برخلاف باور مذهبی خود، که خداوند فقط آن سه خشکی را آفریده است، وجود خشکی ظاهر شده را به خود و دیگران بقبولاند. پس ادعا کرد که این خشکی همان باغ عدن است که طبق داستانهای مذهبی، در انتهای شرقی زمین واقع بود. از این رو هائیتی (Haiti)، سانتودومینگ (Santo Doming) و کوبا (Cuba) بخشی از آسیا به حساب آمدند.

آمریگو وِسپوس (Amerigo Vesputsi) عظمت و حقیقت دنیای جدید را دریافت. اما هم او، و هم کریستف کلمب به لحاظ فضای مذهبی آن زمان از بیان این حقیقت، که به سرزمین جدیدی راه یافته‌اند، سر باز زدند. او در سال ۱۴۹۷ م با گردآوری اطلاعاتی از سفرهای متعدد خود به آنجا، این فکر را رواج داد که خشکی چهارمی پیدا شده که گرداگرد آن را آب فرا گرفته است. این خبر را اولین بار آکادمی سنت دای (St. Die) منتشر کرد (← Gill: 14; S. L. P, 2: 669).